

سازوکار حمایت از ایده در حال توسعه به مثابه مال فکری در حقوق ایران: مبانی و روش‌ها

محمد نظام‌الملکی • دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

mohammadnezamolmolki@gmail.com

(نویسنده مسئول)

جعفر نظام‌الملکی • دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

jafarnazamolmolki@gmail.com

چکیده

در اقتصاد دانش‌بنیان، ایده در حال توسعه به عنوان یک دارایی فکری آسیب‌پذیر، حد فاصل میان ایده صرف و نوآوری نهایی، نیازمند حمایت است؛ حال آنکه نظام سنتی مالکیت فکری بر اساس اصل «عدم حمایت از ایده»، مانع این حمایت شده و انگیزه نوآوری را تضعیف می‌کند. این پژوهش به شیوه تحلیلی انتقادی و با هدف نقد این مبانی سنتی و اثبات قابلیت حمایت از این نهاد متمایز، ابتدا ماهیت ایده در حال توسعه را بر اساس مؤلفه‌های نوآورانه، بالقوه ارزشمند و دارای پتانسیل تجاری تبیین می‌کند و سپس، ضمن به چالش کشیدن مبانی سنتی عدم حمایت، نشان می‌دهد که ایده در حال توسعه با ویژگی‌های مال فکری انطباق دارد. با این وجود، ارزیابی مدل‌های حمایتی موجود در حقوق ایران، از جمله اسرار تجاری و رقابت غیرمنصفانه، حاکی از آن است که این مدل‌ها به دلیل تعارض ساختاری (نیاز به تبادل در برابر محرمانگی) و دشواری اثبات تقصیر، برای حمایت از این ایده ناکارآمد هستند. بر این اساس، پژوهش حاضر استدلال می‌نماید که برای تضمین جریان نوآوری، تدوین یک سازوکار حمایت استثنایی و مشروط حیاتی است؛ این سازوکار باید در قالب‌های موجود مالکیت فکری، با اعطای حمایت موقت و حقوق خاص (شامل حقوق معنوی کامل و حقوق مادی سلبی)، متناسب با ماهیت بینابینی ایده در حال توسعه، اجرا شود.

واژگان کلیدی: ایده در حال توسعه، اسرار تجاری، رقابت غیرمنصفانه، اموال فکری.



این رویکرد سنتی، که ریشه در مبانی فلسفی و تاریخی حقوق مالکیت فکری دارد، در مواجهه با ماهیت پیچیده و زمان‌بر نوآوری‌های معاصر دچار عدم انطباق شده است. برای نمونه، در حوزه زیست‌فناوری، فاصله زمانی میان کشف یک ترکیب اولیه تا رسیدن به محصول نهایی سال‌ها به طول می‌انجامد؛ در حالی که ساختار فعلی حقوق مالکیت فکری، تا پیش از تحقق نهایی، چتر حمایتی خود را بر سر این دارایی نمی‌گستراند. همچنین، اصرار بر معیار «عینیت و تحقق نهایی» به عنوان شرط حمایت، نیازهای تجاری مربوط به مراحل اولیه توسعه را نادیده می‌گیرد. این خلاء حمایتی در پلتفرم‌های دیجیتال نوظهور یا مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر هوش مصنوعی که هنوز به مرحله اجرا نرسیده‌اند، ریسک سرقت ایده‌های کلیدی توسط رقبای قدرتمند را در مراحل میانی نوآوری و تجاری‌سازی آن افزایش می‌دهد. حتی در صنایع خلاق و هنری، فقدان حمایت از «ساختار مفهومی» یک پروژه چندرسانه‌ای پیش از تولید نهایی می‌تواند منجر به تصاحب غیرقانونی ایده‌های نوآورانه پدیدآورنده شود. چنین وضعیتی، انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر و تکمیل ایده را تضعیف کرده و در نهایت، با ایجاد هراس از افشای زودهنگام، جریان نوآوری را کند می‌سازد. بنابراین، نقد وضعیت موجود و طراحی یک سازوکار حقوقی که بتواند حمایت را با الزامات اقتصادی و راهبردی فرآیند نوآوری همسو سازد، به یک

ضرورت پژوهشی تبدیل شده است.

حال پرسش محوری این است که با توجه به ماهیت متمایز ایده در حال توسعه (به مثابه یک مال فکری) و ضرورت‌های اقتصادی و راهبردی در حوزه نوآوری، سازوکار حمایت از این نهاد حقوقی در نظام حقوقی ایران چگونه قابل توجیه و پیاده‌سازی است؟ به عبارت ساده‌تر، رسالت نگارنده در مقاله حاضر، ارزیابی نقادانه مدل‌های حمایتی موجود و امکان‌سنجی طراحی یک چارچوب حمایتی نوین و استثنایی برای ایده در حال توسعه در حقوق ایران است.

برای تحقق این هدف، پژوهش حاضر ابتدا به تحلیل مفهوم، ماهیت و عناصر تشکیل‌دهنده ایده در حال توسعه می‌پردازد تا تمایز آن با ایده صرف مشخص شود. سپس، مبانی سنتی عدم حمایت به صورت نقادانه ارزیابی شده و قابلیت حمایت از ایده در حال توسعه به مثابه مال فکری اثبات می‌گردد. در نهایت، با ارزیابی کارایی مدل‌های حمایتی عام در حقوق ایران، ضرورت اتخاذ یک رویکرد حمایت استثنایی با معیارهای خاص تبیین خواهد شد:

۱- تحلیل مفهوم و ماهیت ایده در حال توسعه

۱-۱- مفهوم شناسی ایده در حال توسعه

از منظر لغوی، واژه «ایده» ریشه در کلمه یونانی «ایدین»^۱ به معنای «صورت» یا «طرح» می‌باشد (ساندرز؛ قنبری ۱۴۰۱، ص. ۱۷). در لغت فارسی ایده به معنای اندیشه، فکر، خیال، تصور، رای، عقیده، نیت، سلیقه ادبی و صنعتی است (عمید، ۱۳۶۳). در فرهنگ آکسفورد نیز، ایده در معانی متعدد شامل یک طرح، فکر یا پیشنهاد، خصوصاً درباره اینکه در یک وضعیت خاص چه کاری باید انجام شود، تصویری ذهنی از چیزی یا کسی، عقیده یا باور درباره یک موضوع، احساس امکان یا واقعیت چیزی و هدف یا مقصود شناسایی شده است.^۲

این چنین تنوع و به تبع ابهام در معانی واژه ایده کاملاً مشهود است. نکته مهم این است که ایده نه تنها به عنوان اندیشه و فکر اولیه، بلکه به عنوان تجسم و تحقق آن فکر در قالب یک مفهوم قابل استفاده نیز می‌باشد. بنابراین، می‌توان ایده را به عنوان مفهومی ذهنی تعریف کرد که از فکر و اندیشه نشأت می‌گیرد و می‌تواند شامل تصورات، طرح‌ها و راه‌حل‌های مختلف باشد و مبنای خلق آثار و نوآوری‌های مختلف قرار گیرد.

1- Idien

2- www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english (Last Visited September 5, 2024).

ابهام فوق به مفهوم اصطلاحی ایده نیز سرایت می‌یابد؛ تا حدی که قانون کپی‌رایت آمریکا نیز، با وجود وضع جامع و مفصل در حقوق مالکیت فکری، نتوانسته تعریف و تمایز دقیق و موثری از ایده ارائه نموده است. در نتیجه، قضات آمریکایی ممکن است از این ابهام برای دستیابی به نتیجه دلخواه در پرونده‌ها استفاده کنند (Standler, 2009, p. 35).

علاوه بر این در دکتترین حقوقی نیز، گاه ایده به معنای یک اندیشه و فکر غیردر حال توسعه و عاری از قالب مادی که مفهومی معرفت‌شناختی نداشته و در صورت حمایت مانع پدیدآورندگان و تحمیل هزینه فراوان می‌شود (شیخی، ۱۳۹۴، ص. ۷۸)، دانسته شده است؛ گاه نیز آن را یک مفهوم جدید یا قدیمی، عینی یا ذهنی، که می‌تواند شامل تصورات، افکار، طرح‌ها و یا حل مسئله باشد و از ساده‌ترین شکل، مانند یک فکر گذرا، تا پیچیده‌ترین نظریه‌های علمی را شامل می‌گردد (Boden, 2004, p. 2)، دانسته اند. در نهایت ایده را به معنای پلی بین یافته‌ها و ناشناخته‌ها می‌دانند که نوآوری با اقتباس از ایده‌های جدید محقق می‌گردند (Goorha & Potts, 2019, p. 27).

به‌طور کلی می‌توان گفت: ایده یک تفکر یا تصور ذهنی است که می‌تواند به‌طور کامل جدید و اصیل باشد یا بر اساس تجربیات یا دانش موجود شکل بگیرد؛ می‌تواند شفاف یا مبهم، ساده یا پیچیده باشند؛ می‌توانند حاصل ذوق ادبی یا ابتکار آنی علمی باشند آن‌ها می‌توانند یا در طول زمان تکامل یابند. ایده‌ها محرک نوآوری و خلاقیت‌اند و برای پیشرفت بشری ضروری به‌شمار می‌آیند.

چنانچه بر این مفهوم قید در حال توسعه را بیفزاییم آن را به مفهومی کارآمد و کاربردی مبدل نموده‌ایم تا حدی که می‌توان قابلیت حمایت از آن را ارزیابی نمود قید در حال توسعه مبین سه عنصر اساسی برای ایده می‌باشد که آن را در قامت مفهومی نوآورانه و بالقوه ارزشمند و دارای پتانسیل کاربردی و تجاری در می‌آورد که البته در حال شکل‌گیری بوده و در هیچ یک از قالب‌های حقوقی موجود مورد حمایت نمی‌باشند؛ نه بدان معنا که حمایت نفی گردد بلکه به معنای تمسک به یک قالب مکمل حقوقی در این زمینه. اینچنین در تعریف ایده در حال توسعه باید گفت:

مفهومی نوآورانه و بالقوه ارزشمند که در مراحل اولیه شکل‌گیری و تکامل قرار داشته و هنوز به مرحله‌ی اختراع یا هرگونه اثر قابل حمایت دیگر به موجب قوانین موجود مالکیت فکری نرسیده است. این نوع ایده، دارای پتانسیل کاربردی و تجاری بوده که حاصل صرف زمان، دانش و

تلاش شخص ایده‌پرداز است و قابلیت تبدیل شدن به یک اثر، محصول، خدمت یا فرآیند نهایی را دارد.

۱-۲- ماهیت ایده در حال توسعه

بدیهی است که ایده در حال توسعه مفهومی بسیط نبوده، بلکه تعبیری هدفمند با معنایی خاص می باشد. به شرحی که از تعریف ارائه شده در فوق مشهود است، ایده در حال توسعه ماهیتاً متشکل از سه عنصر اساسی مفهومی نوآورانه و بالقوه ارزشمند، در حال شکل‌گیری غیر قابل حمایت در قالب‌های حقوقی موجود و دارای پتانسیل کاربردی و تجاری می‌باشد. هر یک از این عناصر فراتر از وصف عرضی بوده و اجزاء ذاتی ماهیت آن را شامل می‌گردد؛ به گونه‌ای که ماهیت متمایز آن را از صرف ایده نیز آشکار نماید. در ذیل به تحلیل عناصر مذکور می‌پردازیم:

۱-۲-۱- مفهومی نوآورانه و بالقوه ارزشمند:

نباید پنداشت ایده در حال توسعه در محدوده کلی و غیره عینی ایده باقی مانده است؛ بلکه تأکید بر نوآورانه بودن، این مفهوم را از ایده‌های صرف متمایز می‌سازد. به این معنا که این ایده، حاوی عنصری از تازگی و ابتکار است و صرفاً بازتکرار وقایع یا اندیشه‌های کلی موجود محسوب نمی‌شود (میرشمسی، جلائیان دهقانی، و تیموری، ۱۳۹۳، ص. ۸۹). همچنین، باید توجه نمود قید بالقوه ارزشمند بودن، متضمن این اثر تمایزبخش بوده که ایده مورد نظر، پتانسیل ایجاد ارزش، به مثابه یک مزیت مستقیم و در دسترس، را داراست. این ارزش می‌تواند ابعاد مختلفی نظیر ارزش اقتصادی (مانند ایجاد کسب‌وکار جدید، افزایش بهره‌وری)، ارزش اجتماعی (مانند حل یک مشکل اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی) یا ارزش فرهنگی (مانند خلق یک اثر هنری بدیع، ارتقای دانش بشری) و... داشته باشد.

۱-۲-۲- در حال شکل‌گیری و غیر قابل حمایت در قالب‌های حقوقی موجود

این مؤلفه، جایگاه ماهوی ایده در حال توسعه را در طیف اموال فکری مشخص می‌سازد. ایده در حال توسعه در قلمرو معنایی بینابینی میان ایده صرف (که فاقد عینیت و حمایت حقوقی است) و مصادیق متعارف اموال فکری (نظیر اختراع ثبت شده یا اثر ادبی بیان شده) قرار می‌گیرد. هرچند ایده در حال توسعه هنوز به طور کامل واجد شرایط قانونی حمایت از اموال فکری نشده است، اما عنصر نوآوری در آن بروز و عینیت یافته است؛ به عبارت دیگر، از مرحله انتزاع محض

خارج شده ولی هنوز به سطح تجاری‌سازی نهایی، به مثابه ابزاری برای انتقال تجاری ایده‌ها به محصول، خدمت و فرآیند جدید قابل عرضه در بازار به واسطه‌گیرندگان دانش (ایروانی مهاجری، ۱۴۰۰، ص. ۱۸)، نرسیده است. برای مثال، در فرآیند توسعه یک راه‌حل فناورانه برای لایروبی سدهای ایران، ایده‌پرداز ممکن است سرمایه‌گذاری قابل توجهی در تحقیق و توسعه و نمونه‌سازی اولیه انجام داده باشد. در این مرحله، محصول هنوز به بازدهی در سطح تولید انبوه یا تجاری‌سازی نرسیده، اما صرفاً با اعمال تغییرات جزئی در مقیاس یا فرمولاسیون، قابلیت احراز شرایط ثبت اختراع را خواهد داشت. این وضعیت در شرف حمایت بودن، ضرورت تفکیک ایده در حال توسعه از ایده صرف را توجیه می‌کند.

۳-۲-۱- دارای پتانسیل کاربردی و تجاری

این ویژگی بر جنبه عملی و واقع‌بینانه ایده در حال توسعه تأکید دارد. این نوع ایده، صرفاً یک مفهوم نظری یا انتزاعی نیست، بلکه واجد پتانسیل تبدیل شدن به یک واقعیت ملموس و قابل بهره‌برداری است که می‌تواند در قالب یک محصول جدید، خدمت نوآورانه یا فرآیند صنعتی بهبودیافته تجلی یابد. این مرحله مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجهی از سوی ایده‌پرداز است که شامل صرف زمان، به‌کارگیری دانش تخصصی، انجام تحقیقات مقدماتی و تخصیص منابع مالی است. این «تلاش ملموس»، مبنای توجیه حمایت اقتصادی از این ایده‌ها را تقویت می‌کند، زیرا نشان‌دهنده تعهد پدیدآورنده به توسعه دارایی فکری است.

آسیب‌پذیری این مرحله، ضرورت طراحی سازوکارهای حمایتی را برجسته می‌سازد. برای مثال، در مورد ایده حل مشکل لایروبی سدهای ایران، افشای اطلاعات در حال توسعه به یک رقیب تجاری می‌تواند به تضییع فرصت اقتصادی منجر شود. در چنین حالتی، رقیب می‌تواند با سرعت بیشتر و بدون تحمل هزینه‌های اولیه تحقیق و توسعه، ایده را به محصول نهایی تبدیل و عرضه کند، در حالی که مبتکر اصلی از ثمره تلاش خود محروم می‌ماند (Lemley, 2008, p. 336). این خطر بالقوه و آسیب‌پذیری ماهوی ایده در حال توسعه، ایجاب می‌کند که سازوکارهای حمایتی تدوین‌شده، از قالب‌های سنتی حقوق مالکیت فکری متمایز بوده و با ویژگی بینابینی این نهاد سازگاری داشته باشند.

۲- جستاری بر قابلیت حمایت از ایده در حال توسعه در نظام حقوق مالکیت فکری

۲-۱- نظریه عدم حمایت از ایده در حال توسعه

در رویکرد سنتی و شایع در نظام حقوق مالکیت فکری، نوآوری آنجا مورد حمایت واقع می‌گردد که عینیت و تکامل یابد؛ چنانکه در حوزه آثار ادبی و هنری شرط بیان شرطی بنیادین در حمایت از این آثار در نظام های حقوقی مختلف می باشد (Standler, 2009, pp. 62-65). این تلقی با لحاظ ویژگیهای مورد نظر در تکامل یک نوآوری دیدگاهی مطلق را موجب گردیده که در آن مرز میان حمایت و عدم حمایت قاطع بوده و روند تدریجی تحول و تکامل نوآوری مغفول مانده است. در بستر این نظریه ایده در حال توسعه نیز فاقد قابلیت حمایت بوده و مادامی که به یک نوآوری نهایی مبدل نگردد داخل در قلمرو عام مفهوم ایده و در نتیجه خارج از شمول نظام حمایتی انگاشته می شود. این همه در حالی است که حتی فرضیه عدم حمایت از ایده در حال توسعه، در نظام حقوقی ایران، باید با طرح مبانی حقوقی و فقهی قابل تأمل مطرح گردد و نه صرفاً بازتکرار اندیشه سنتی حاکم در این زمینه. این چنین در ذیل نگارنده با طرح مبانی حقوقی و فقهی مرتبط، البته با تقویت مبانی سنتی و در بیانی منسجم تر، در نهایت تلاش می نماید قابلیت اثباتی آنها در تلقی اندیشه عدم حمایت از ایده را ارزیابی نماید.

۲-۱-۱- تعارض با منافع عمومی

منفعت عمومی مفهومی است که به اقدامات، سیاست‌ها یا تصمیماتی اشاره دارد که تمایل به افزایش رضایت‌مندی و رفاه در جامعه دارند (M. Benditt, 1973, pp. 294-295). این مفهوم دارای ابعاد اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی است که در طول تاریخ تکامل یافته و در حوزه‌های مختلف از جمله قوانین مالکیت فکری نمود پیدا کرده‌است. در بررسی تاریخی این مفهوم، دو نگرش اصلی قابل تشخیص است:

دیدگاه بنّام که منفعت عمومی را مجموع منافع افراد تشکیل‌دهنده جامعه می‌داند و معتقد است یک اقدام زمانی در راستای منفعت عمومی است که بیش از هر چیز همسو با تحقق هدف رضایت‌مندی در جامعه باشد (Bentham, 196, p. 126)؛ از سوی دیگر روسو منفعت عمومی را شامل منافع خصوصی مشترک در قلمرو جهانی می‌داند و معتقد است اقدامی را می‌توان در راستای منفعت عمومی دانست که موضوع خواست و اراده عمومی باشد (Rousseau, 1967, p.).

.(27

در این راستا، در حوزه حقوق مالکیت فکری، منفعت عمومی ایجاب می‌کند که تعادلی بین تشویق نوآوری (از طریق اعطای حقوق انحصاری موقت به پدیدآورندگان) و تضمین دسترسی عمومی به دانش و فناوری برقرار شود. نهادهای تعدیل‌کننده‌ای مانند مجوزهای اجباری در حقوق مالکیت صنعتی و استثنائات حمایتی در نظام کپی‌رایت، ریشه در همین مفهوم بنیادین منفعت عمومی دارند.

همچنین، به طور سنتی ایده در نظام حقوق مالکیت فکری فاقد ویژگی «انحصاری» است و از حقوق مادی و معنوی برخوردار نمی‌شود. این عدم انحصاری بودن ایده، بر مفاهیمی چون حق دسترسی عمومی به اطلاعات، حق آموزش و حق آزادی بیان استوار است. ایده‌ها به عنوان ابزارهای اساسی برای پیشرفت و نوآوری، باید در دسترس همگان باشند تا به شکوفایی دانش و توسعه جامعه کمک کنند (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۰). حقوق‌دانانی نظیر پوئییه و همفکرانش، ایده را سرمایه‌ای مشترک و ابدی برای همگان می‌دانند که استفاده از آن بر ارزشش می‌افزاید. آن‌ها معتقدند قانون تنها از آنچه مهر فردگرایی پدیدآورنده را دارد، حمایت می‌کند (Pollaud-Dulian, 2005, p. 87). حمایت از افکار صرف، می‌تواند مانعی برای هرگونه پیشرفت فرهنگی یا صنعتی باشد؛ زیرا در این صورت، هر گزارش علمی نیازمند اجازه دانشمندانی خواهد بود که بر اساس اندیشه‌هایشان اکتشافات صورت گرفته است (Colombet, 1976, p. 79). بر همین اساس، ایده‌های ادبی، هنری، سیاسی، علمی، تجاری، و روش‌های مختلف، تحت پوشش حقوق مالکیت ادبی و هنری نیستند (Desbois, 1966, p. 23).

عدم انحصاری بودن ایده‌ها، پیامدهای مثبتی برای جامعه دارد؛ از جمله تسهیل جریان آزاد اطلاعات و دانش، تشویق رقابت و بهبود مستمر، و در نهایت، ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش رفاه عمومی. ایده‌ها هرگز موضوع مالکیت نیستند (Breakey, 2010, pp. 214-215)، زیرا تملک آن‌ها فرآیند تکاملشان را متوقف می‌کند و برای تکمیل به بازخورد و مشارکت جمعی نیاز دارند. بنابراین، نظام حقوق مالکیت فکری از خود ایده حمایت نمی‌کند، بلکه حقوق مادی و معنوی مشخصی را که مطابق قانون به «بیان» یا «تجسم» ایده تعلق می‌گیرد، حمایت می‌کند.

با این حال، در مبانی فوق تفکیک مهمی بین «ایده صرف» (خام، کلی و انتزاعی) و ایده در حال توسعه مغفول مانده است. ایده در حال توسعه دیگر صرفاً یک مفهوم ذهنی نیست، بلکه مفهومی

نوآورانه و بالقوه ارزشمند است که در روند تکامل قرار دارد و دارای پتانسیل کاربردی و تجاری است. این نوع ایده، حد فاصل ایده در مفهوم رایج آن و یک اثر علمی یا محصول نوآورانه قرار می‌گیرد.

بنابراین، استدلال‌هایی که عدم حمایت از ایده را توجیه می‌کنند، ناظر بر ایده‌های خام و انتزاعی هستند و در مورد ایده‌های در حال توسعه با ویژگی‌های مشخص، قابل اعمال نیستند. همچنین، نفی قابلیت استناد به حق دسترسی عمومی به اطلاعات و حق آموزش در مورد ایده‌های در حال توسعه باید با احتیاط صورت گیرد. این ایده‌ها به دلیل ماهیت بینابینی و آسیب‌پذیری خود، به راحتی می‌توانند مورد سوءاستفاده و سرقت علمی قرار گیرند. عدم حمایت از آن‌ها می‌تواند انگیزه نوآوران را برای سرمایه‌گذاری در مراحل اولیه کاهش داده و در نتیجه، جامعه را از مزایای بالقوه این ایده‌ها محروم کند.

در نهایت، اگرچه اصل عدم حمایت از ایده بر آزادی و دسترسی عمومی تأکید دارد، اما ایده در حال توسعه با ویژگی‌های خاص و ممتاز خود، از قلمرو این اصل خارج می‌شود و قابلیت حمایت حقوقی به عنوان مال فکری را داراست. هرگونه حمایت از این نوع ایده، با توجه به ماهیت استثنایی آن، تنها در صورت احراز شرایط خاص و استثنایی می‌تواند بر اصل عام عدم حمایت از ایده، استثنا ایجاد کند.

۲-۱-۲- مبانی فقهی

نظریه عدم حمایت از ایده در حال توسعه مبتنی بر استنادات فقهی چندی می‌باشد. در ذیل به ارزیابی نقادانه این استنادات می‌پردازیم؛ با این قید که گسترش قلمرو این استنادات فراتر از قلمرو موضوعی و زمانی مورد نظر خود در آن‌ها می‌تواند حمایت از حقوق مالکیت فکری را به طور کلی نیز از منظر فقهی مورد چالش قرار دهد.

نخستین مبانی، حرمت کتمان علم و محدودسازی دسترسی به دانش است که با استناد به آیه ۱۵۹ سوره بقره^۱ و روایت نبوی^۲ ایده در حال توسعه را که به مرحله عینیت نرسیده و در زمره مفاهیم

۱- «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»
«آنان که دلایل و نشانه‌های هدایت را، پس از آن‌که آن را در کتاب برای مردم روشن ساختیم، می‌پوشانند، مورد لعنت خدا و لعنت‌کنندگان قرار می‌گیرند.»

۲- عَنْ النَّبِيِّ (ص): «مَنْ سَتَلَ عَنْ عِلْمٍ ثُمَّ كَتَمَهُ الْجَمْعَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَلَغَامٍ مِنْ نَارٍ»

علمی است، مشمول نهی شرعی کتمان می‌داند؛ با این توجیه که کتمان به معنای مخفی کردن چیزی است که درخواست بیان آن وجود دارد (آذرنوش، ۱۳۹۱، ص. ۹۰۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق، ص. ۷۰۲؛ طوسی، ۱۳۸۹، ص. ۴۶). در ارزیابی این قاعده باید گفت، دامنه شمول این قاعده محدود است؛ زیرا تحقق کتمان مشروط به «درخواست بیان» است و ایده در حال توسعه که محصول سرمایه‌گذاری شخصی است، تا قبل از عرضه عمومی، مصداق کتمان نمی‌باشد. به علاوه، نصوص شرعی حرمت کتمان، عمدتاً متوجه علوم دینی و معارف حیاتی هستند، در حالی که ایده در حال توسعه دارای جنبه‌های کاربردی و تجاری است و به دلیل سرمایه‌گذاری قابل توجه، دیگر صرفاً «علم» به معنای فقهی آن نیست، بلکه یک دارایی فکری با ارزش اقتصادی تلقی می‌گردد.

مبنای دوم، ناظر بر عبادی بودن علم و تنافی مطالبه اجرت با ماهیت قربت الهی مطابق مدلول قاعده «عدم جواز اخذ اجرت بر واجبات» می‌باشد (شبیری زنجانی، ۱۳۸۷، ص. ۵۶۴) و انحصار در تملک ایده را جایز نمی‌داند. این مبنا نیز قابل نقد است؛ زیرا ایده در حال توسعه ماهیتاً با علوم دینی و معارف عبادی که هدف اصلی قاعده فوق بوده‌اند، متفاوت است و استدلال عدم جواز اخذ اجرت، ناظر بر تعلیم احکام شرعی است، نه ایده‌های نوآورانه با جنبه اقتصادی.

مبنای سوم فقهی در نفی حمایت از ایده در حال توسعه، بر قاعده وجوب بذل علم یا لزوم انتشار دانش استوار است که تعلیم و انتشار علم را به عنوان یک تکلیف شرعی و وظیفه الهی بر عهده عالمان و صاحبان علم قرار می‌دهد (امیدی فرد و پيله ور، ۱۳۹۶، ص. ۵۰۰). مستندات این قاعده بر سه محور اصلی استوار است: نخست، استنادات روایی صریح شامل فرمایشات حضرت علی (ع) درباره عهد الهی با عالمان برای ارائه علم و تمثیل زکات علم توسط امام جواد (ع) به آموختن آن به بندگان خدا، که دلالت بر وجوب تعلیم و انتشار علم دارد (نظام‌الملکی و شبیری زنجانی، ۱۴۰۰، صص. ۱۷۱-۱۷۲). دوم، ملازمه حرمت کتمان علم با وجوب بذل علم، به طوری که این دو، جنبه‌های سلبی و اثباتی یک تکلیف واحد محسوب می‌شوند و نهی از یکی، وجوب دیگری را به همراه دارد. سوم، ملازمه لزوم تعلّم با لزوم تعلیم، که در قاعده رجوع جاهل به عالم تجلی می‌یابد و لزوم یادگیری برای جاهل، تکلیف عالم در پاسخگویی و بذل علم را نیز می‌رساند؛ بر این اساس، این تلقی ایجاد می‌گردد که حمایت از ایده در حال توسعه با قاعده

و جوب بذل علم در تعارض آشکار قرار می‌گیرد، با این توجیح که حمایت انحصاری به معنای جلوگیری از انتشار علم و نقض تکلیف شرعی عالم در بذل آن است و همچنین، با توجه به ملازمه تعلیم و تعلّم، منع از توسعه و انتشار ایده، سلب حق شرعی جاهل از دسترسی به علم و تعلّم است.

ارزیابی این قاعده مستلزم توجه دقیق به قلمرو موضوعی آن است. اولاً، روایات مربوط به وجوب بذل علم و زکات علم، در درجه اول ناظر بر علوم دینی و معارف شرعی هستند که انتشار آن‌ها برای هدایت جامعه و حفظ مبانی دین ضروری است و حتی در موارد بدعت که وجوب اظهار علم با صراحت بیشتری بیان شده، هدف اصلی حفظ دین و جلوگیری از انحراف است، نه ایده‌های تجاری، صنعتی یا نوآورانه با ماهیت اقتصادی (همان: ص. ۱۷۲). ثانیاً، ایده در حال توسعه، به دلیل ماهیت تخصصی، کاربردی و ناتمام خود، نمی‌تواند مصداق علمی باشد که بذل و انتشار فوری آن واجب است؛ حمایت از آن، نه به معنای کتمان علم، بلکه به معنای تنظیم زمان و شرایط انتشار آن است تا پدیدآورنده بتواند با اطمینان از بازگشت سرمایه و تلاش خود، آن را به کمال رسانده و در نهایت به جامعه عرضه کند. ثالثاً، ملازمه حرمت کتمان با وجوب بذل، تنها در موارد ضرورت دینی و شرعی قابل اعمال است، جایی که مصلحت عمومی دینی بر مصلحت فردی ارجحیت دارد و تسری این ملازمه به ایده‌هایی که حاصل سرمایه‌گذاری خصوصی و دارای پتانسیل تجاری هستند، نیازمند دلیل قاطع فقهی است. رابعاً، ملازمه لزوم تعلّم و تعلیم در قاعده رجوع جاهل به عالم، مربوط به احکام شرعی و مسائل دینی است و این حق به معنای دسترسی بدون قید و شرط به دارایی‌های فکری در حال توسعه دیگران نیست؛ در واقع، حمایت از ایده در حال توسعه، نه سلب حق جاهل از تعلّم، بلکه حفظ حق عالم در بهره‌برداری از دستاوردهای تخصصی خود است که خود مقدمه‌ای برای انتشار نهایی آن علم خواهد بود. بنابراین، استناد به قاعده وجوب بذل علم، تنها در صورتی می‌تواند حمایت از ایده در حال توسعه را به چالش بکشد که این ایده دارای ماهیت معارف شرعی یا علوم عامه حیاتی باشد؛ در غیر این صورت، ایده در حال توسعه به دلیل ماهیت بینابینی خود، از شمول عام این قاعده مستثنی است و حمایت از آن، نه تنها مغایر با تکلیف الهی نیست، بلکه تضمین‌کننده تکمیل و عرضه نهایی این دارایی به نفع جامعه در آینده خواهد بود.

بنابر توجیهات و دلایل فوق، مبانی فقهی ارائه‌شده در مورد ایده در حال توسعه با شرایط مذکور

مصادق نیافته و ایده مذکور خارج از قلمرو موضوعی این مبانی می‌باشد.

۳-۱-۲- نظریه کار

نظریه کار، به عنوان یکی از مبانی فلسفی مالکیت، ریشه در اندیشه‌های «جان لاک» دارد. بر اساس این نظریه، مالکیت نتیجه کار و تلاش فردی بر منابع مشترک است؛ به این معنا که فرد با صرف کار خود، یک منبع را از حالت مالکیت عمومی خارج کرده و آن را به تملک خود درمی‌آورد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷، صص. ۲۰۳-۲۱۸). این نظریه که به طور سنتی برای توجیه مالکیت اموال مادی مطرح شد، بر این اساس استوار است که وقتی انسان کار خویش را با طبیعت می‌آمیزد مالک نتیجه به دست آمده می‌شود. به تعبیر لاک مالکیت خصوصی محصول تلاشهای گذشته شخص است برای همین هر شخصی سزاوار است تا آنچه (Gordon, 1993, p.1533) را که برای تولید آن زحمت کشیده است حفظ کند (میرشکاری، ۱۳۹۹، ص. ۳۴۲). در همین راستا، در حوزه مالکیت فکری نیز به عنوان مبنایی برای توجیه حق پدیدآورندگان آثار مورد استفاده قرار گرفته است. در این چارچوب، ایده‌ها در ابتدا جزو منابع مشترک انسانی تلقی می‌شوند و پدیدآورنده با کار فکری خود، آنها را از حوزه عمومی خارج و به مالکیت خود درمی‌آورد. این رویکرد می‌تواند حمایت از مالکیت فکری را توجیه کند، مشروط بر آنکه شرایطی نظیر نوآوری، صرف تلاش فکری و ایجاد ارزش افزوده محقق شده باشد.

با این حال، تطبیق دقیق این نظریه با ماهیت ایده در حال توسعه با چالش‌هایی مواجه است. بر اساس یک استدلال، ایده‌های صرف، مفاهیم انتزاعی و کشفی هستند که پیش از ظهور در ذهن فرد به صورت بالقوه وجود داشته‌اند و پدیدآورنده صرفاً آنها را کشف می‌کند، نه خلق (میرشمسی، جلاتیان دهقانی، و تیموری، ۱۳۹۳: ص. ۸۶). از این منظر، ایده‌ها شبیه اختراعات یا آثار خلاقانه نیستند که مستقیماً محصول کار و تلاش فیزیکی یا ذهنی قابل اندازه‌گیری باشند. این دیدگاه تأکید دارد که کار مورد نظر لاک، به معنای تلاش مشخص و قابل ردیابی است که منجر به خلق یک محصول نهایی یا بیان قابل حمایت شود. بنابراین، ایده در حال توسعه که هنوز در مراحل اولیه شکل‌گیری است و به مرحله محصول نهایی یا اثر قابل حمایت نرسیده، ممکن است فاقد این مشخصه تلقی شود.

تعارض درونی نظریه کار زمانی آشکار می‌شود که ایده در حال توسعه را با توجه به عناصر تشکیل‌دهنده آن بررسی کنیم. می‌توان استدلال کرد که این نوع ایده‌ها نیز می‌توانند در زمره کار

فکری قابل توجه قرار گیرند. این استدلال مبتنی بر آن است که جان لاک در نظریه خود، تمایز ماهوی میان کار فیزیکی و کار فکری قائل نشده است. لذا، صرف زمان، دانش و تلاش فکری هدفمندی که ایده پرداز برای پرورش و تکامل ایده صرف می کند، نشان دهنده نوعی کار است که می تواند مبنای مالکیت باشد (انصاری، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۵). از این منظر، ایده در حال توسعه که نوآورانه، بالقوه ارزشمند و دارای پتانسیل کاربردی و تجاری است، محصول کار فکری هدفمند و خلاقانه ای است که قابلیت تبدیل شدن به محصول یا خدمت نهایی را داراست و بنابراین، می تواند مشمول حمایت قرار گیرد، هرچند هنوز به مرحله ثبت اختراع یا اثر فکری مورد حمایت نرسیده باشد.

در نهایت، می توان نتیجه گرفت که نظریه کار جان لاک، اگرچه مبنایی ارزشمند برای تبیین مالکیت فکری فراهم می آورد، اما باید با در نظر گرفتن ویژگی های خاص ایده در حال توسعه به کار گرفته شود. این تطبیق باید به گونه ای باشد که ارزش کار فکری صرف شده و پتانسیل نوآورانه این ایده ها را به رسمیت بشناسد و در عین حال، محدودیت های حقوقی موجود را نیز مد نظر قرار دهد. لذا، ایده در حال توسعه بر اساس عناصر تشکیل دهنده و در چارچوب نظریه کار لاک، واجد کار و تلاش فکری قابل توجهی است که می تواند مبنای حمایت حقوقی باشد، مشروط بر آنکه سازوکارهای حمایتی متناسب با ماهیت خاص آن طراحی شود.

۲-۲- نظریه حمایت از ایده در حال توسعه

همانطور که در ذیل نظریه عدم حمایت از ایده در حال توسعه، با ارزیابی و تأمل در مبنای این نظریه و نقد آن اثبات گردید، مبنای سنتی استنادی در اینجا قادر به پاسخگویی نیازهای جامعه در حال توسعه ایران نبوده و از جهات مختلف ناکارآمد می باشند. همچنین، ایده در حال توسعه به مثابه یک مفهوم متمایز از مفهوم سنتی ایده در مباحث حقوق مالکیت فکری مغفول مانده و مفهومی نوین بوده که باید قابلیت حمایت از آن در نظام حقوق مالکیت فکری تحلیل و ارزیابی گردد. در این راستا در ادامه به واکاوی مبنای حمایت از ایده در حال توسعه به مثابه مال فکری در حقوق ایران می پردازیم:

۲-۲-۱- انطباق با مال فکری در حقوق ایران

امروزه ما با تحول و تغییر در قواعد سنتی حقوق اموال و تبع نظام قراردادی مرتبط با آنها مواجه

هستیم؛ چنانکه، مطابق ماده ۳۳۸ قانون مدنی موضوع عقد بیع باید عین باشد که ظهور در اموال مادی و ملموس دارد، اما نیازهای جوامع امروزی و تحولات نوآوری‌ها سبب شده که اموال غیر ملموس از جمله اموال فکری نیز مالیت یافته و موضوع بیع تجاری واقع گردد (اشراقی آرانی، ۱۴۰۰، ص. ۷). این چنین، ایده‌های در حال توسعه و اموال فکری دو مفهوم مرتبط اما متمایز در حوزه حقوق مالکیت فکری هستند. بررسی این دو مفهوم از منظر ویژگی‌های ماهوی، موضوعی است که نیازمند تحلیل دقیق می‌باشد. در همین راستا، در تعریف مال فکری می‌بایست بیان داشت که مال فکری اثری است غیرمادی، که ناشی از تلاش ذهنی ابداعی و مبتکرانه بوده و به صورت قابل ادراک از طریق حواس نمود پیدا می‌کند (زاهدی و نظام‌الملکی، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۱). بنابراین، وجود پنج ویژگی برای مال فکری محسوب شدن یک چیز ضروری است:

۱-۲-۲-۱- از منظر مالیت داشتن

مال فکری باید دارای ارزش اقتصادی بوده و قابلیت دادوستد در عرف را داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۹). در این تعریف بر قابلیت مبادله مال تاکید شده است؛ زیرا در بخش اول تعریف ظاهر در این است مال باید ارزش اقتصادی داشته باشد و قسنت دوم بر قابلیت انتقال آن تاکید دارد (باریکلو، ۱۳۹۹، ص. ۷). ایده‌های در حال توسعه نیز دارای پتانسیل کاربردی و تجاری هستند، اما چالش اصلی در این زمینه، عدم قطعیت ارزش اقتصادی آنهاست. این ایده‌ها هنوز در مرحله تکامل قرار داشته و ارزش نهایی آنها مشخص نیست. با این حال، می‌توان استدلال کرد که ایده‌های در حال توسعه دارای ارزش اقتصادی بالقوه هستند که با تکمیل فرآیند توسعه، این ارزش به فعلیت خواهد رسید. بنابراین، از منظر مالیت داشتن، ایده‌های در حال توسعه در وضعیتی بینابینی قرار می‌گیرند؛ نه فاقد مالیت هستند و نه به طور کامل واجد این ویژگی.

۲-۲-۲-۱- از منظر غیرمادی بودن

ایده‌های در حال توسعه، مشابه با سایر مصادیق اموال فکری، دارای ماهیتی کاملاً غیرمادی و انتزاعی هستند (میرحسینی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۱). این ایده‌ها تجلی تفکر و خلاقیت ذهنی بوده و در تقابل ماهوی با اموال مادی و ملموس قرار می‌گیرند. از این حیث، ایده در حال توسعه انطباق کاملی با معیار غیرمادی بودن مال فکری دارد. علاوه بر این، این ماهیت غیرمادی، خصیصه عدم استهلاك در اثر استفاده را نیز به همراه دارد؛ به این معنا که بهره‌برداری از ایده در حال توسعه،

برخلاف اموال مادی، منجر به زوال یا کاهش ظرفیت بهره‌برداری نامحدود آن نمی‌شود..

۳-۱-۲-۲- از منظر ناشی از تلاش ذهنی بودن

مال فکری، بنا بر تعریف، باید محصول تلاش ذهنی باشد (WIPO, 2004, p. 17). ایده‌های در حال توسعه، به دلیل ماهیت خلاقانه و نوآورانه خود، بی‌گمان ثمره فعالیت فکری انسان هستند. این ایده‌ها از فرآیند تفکر خلاق و هدفمند نشأت گرفته و نیازمند صرف دانش تخصصی و تلاش ذهنی قابل توجه برای شکل‌گیری اولیه و تکامل تدریجی می‌باشند. لذا، از این منظر، ایده‌های در حال توسعه انطباق کاملی با معیار بنیادین مال فکری، یعنی ناشی بودن از تلاش ذهنی، دارند.

۴-۱-۲-۲- از منظر مبتکرانه بودن تلاش ذهنی

مبتکرانه بودن به معنای برخورداری از اوصاف و ویژگی‌های جدیدی است که آن را از موارد مشابه پیشین متمایز می‌سازد (نظام‌الملکی، ۱۳۹۷، ص. ۲۷). ایده‌های در حال توسعه، به واسطه جوهره نوآورانه خود، فی‌نفسه واجد این وصف تلقی می‌شوند؛ چرا که خلاقیت و تازگی، عنصر ذاتی و محرک اصلی شکل‌گیری آن‌هاست. با این حال، چالش تحلیلی و عملی در این زمینه، نه در اصل وجود نوآوری، بلکه در اثبات و سنجش درجه نوآوری و تمایز آن از دانش پیشین نهفته است. از آنجا که این ایده‌ها هنوز در مراحل اولیه تکامل قرار دارند و به سطح ظهور نهایی نرسیده‌اند، تعیین دقیق معیارها و حدود نوآوری آن‌ها دشوار است. با وجود این چالش روش‌شناختی، می‌توان استدلال نمود که ایده در حال توسعه، در سطح مفهومی و بالقوه، با معیار مبتکرانه بودن به عنوان یکی از ارکان مال فکری، سازگاری ماهوی دارد.

۵-۱-۲-۲- از منظر قابلیت ادراک از طریق حواس

معیار قابلیت ادراک از طریق حواس در نظام‌های حقوقی مختلف، به ویژه در حوزه علائم تجاری (نظیر علائم بویایی و چشایی)، محل مناقشه و اختلاف نظر است. در حالی که مقررات بین‌المللی (مانند ماده ۱۵ موافقت‌نامه تریپس) بر ویژگی متمایزکنندگی به جای قابلیت رؤیت تأکید دارند، و برخی کشورها ثبت علائمی نظیر بوی چمن تازه زده‌شده برای توپ تنیس را پذیرفته‌اند (Wagret, 2001, p. 91)، در مقررات داخلی ایران، استفاده از قید «قابل رؤیت» در تعریف قانونی علامت، مصادیق غیربصری (مانند علائم بویایی و صوتی) را از شمول حمایت خارج ساخته است (میرحسینی، ۱۳۹۱، صص. ۴۳-۴۴).

با وجود این اختلاف نظر، در خصوص ایده در حال توسعه، باید تمایز ماهوی میان آن و ایده صرف را در نظر گرفت. ایده صرف به دلیل ماهیت خام و انتزاعی، فاقد قابلیت ادراک حسی است. لیکن، همان‌گونه که تبیین شد، ایده در حال توسعه از حالت انتزاعی محض خارج شده و از طریق تلاش‌های ذهنی، عملی، آزمایشگاهی و مستندسازی، به مرحله‌ای بینابین ایده صرف و بیان نهایی رسیده است. بنابراین، این مفهوم واجد هیئتی است که امکان تشخیص و ارزیابی عینی آن را فراهم می‌آورد و از این منظر، با معیار قابلیت ادراک سازگاری دارد.

با توجه به تحلیل فوق، می‌توان نتیجه گرفت که ایده‌های در حال توسعه، با تمامی ویژگی‌های پنج‌گانه مال فکری انطباق دارد و به دلیل صرف زمان، دانش و تلاش برای شکل‌گیری آنها و همچنین بتانسیل اقتصادی قابل توجه به نظر می‌رسد، از این منظر قابلیت حمایت را دارند.

۲-۲-۲- تقویت انگیزه نوآوران

حمایت از ایده در حال توسعه، که در مرحله میانی آغاز فرایند نوآورانه تا سرانجام آن و تحقق کامل نوآوری قرار دارد، دلیلی حمایتگر و انگیزه بخش برای تکامل نوآوری می باشد؛ به ویژه آنجا که نوآوری پیچیده و زمانبر است. زیرا در مواردی همچون نوآوریهای زیست فناوری که در آن طول دوره فرایند نوآوری به طور میانگین از ۱۲ تا ۱۵ سال (یدلهی فارسی و کلاتهای، ۱۳۹۱، ص. ۶۵) و مستلزم صرف هزینه فراوان می باشد (حبیبی و معلی، ۱۳۹۴، ص. ۲)، اگر حمایت موکول به تحقق نهایی نوآوری شود خود موجب ضعف انگیزه و کاهش قلمرو مبتکرین می گردد؛ زیرا در این وضعیت جز شرکتهای بزرگ زیست فناوری، که دارای اندوخته مالی قابل توجه و منابع اطلاعاتی غنی هستند، سایر مبتکرین و شرکتهای کوچکتر به دلیل این نقیصه در سازوکار حمایتی عملاً انگیزه مطلوب برای نوآوری را از دست می دهند. به علاوه در اینجا بهینه سازی بهره برداری از نوآوریها در گرو سازوکارها و قالبهای حمایتی در طول دوره نوآوری و قبل از تولید نهایی محصول نوآورانه و تجاری سازی آن می باشد. حال در اینجا نظریه حمایت از ایده در حال توسعه قالب حمایتی متناسبی برای حمایت از فرایند نوآوری در طی روند نوآوری ایجاد می نماید. مهمترین اثر این رویه ایجاد و حفظ انگیزه نوآورانه در این نوع نوآوریها و جلوگیری از سرقتهای علمی در این زمینه می باشد. البته نباید در این زمینه راه افراط پیمود و نحوه و میزان حمایت را در سطح نوآوری کامل و مصادیق شائع اموال فکری دانست؛ بلکه باید سطح کمتری از حمایت را در نظر گرفت تا در نهایت همین سازوکار حمایتی به مانعی در

زنجیره و چرخه اطلاعات نوآورانه در آن حوزه مبدل نگردد.

۳-۲-۲- تحقق مؤلفه های ضروری در تجاری سازی اموال فکری

بر مبنای ویژگیهای تمایز بخش ایده در حال توسعه و ماهیت عینی و کاربردی آن، حمایت از آن در حوزه نوآوری های صنعتی و تجاری، نقشی محوری در تحقق مؤلفه های ضروری در تجاری سازی اموال فکری ایفا می کند. بدین نحو که، با سازوکاری اطمینان بخش زمینه ساز تبدیل ایده های نوآورانه به محصولات، خدمات و فرآیندهای قابل عرضه در بازار و صنایع مرتبط می گردد. بی تردید این حمایت علاوه بر کاهش ریسک عرضه و افشاء اطلاعات نوآورانه در موارد مقتضی و مورد نیاز برای تکمیل و تجاری سازی نوآوری، انگیزه نوآورانه در اشخاص را نیز تقویت و افزایش می دهد. البته در طرح این مزیت نباید راه افراط در پیش گرفت و فرضی مطلق را در نظر گرفت؛ زیرا فهم دقیق انگیزه های تجاری سازی دارای دشواری هایی است که بیش از هرچیز ناشی از نقش عوامل متعدد در این زمینه می باشد. توضیح آنکه انگیزه های غیر مالی همچون تمایل به اشتراک گذاری نوآوری ها با جامعه، لذت بردن از فرآیند خلاقیت و کسب اعتبار علمی یا هنری و همچنین انگیزه های اقتصادی، در ترغیب پدیدآورندگان به تکمیل و تجاری سازی ایده های خود اثرگذار می باشند. در این میان حمایت از ایده در حال توسعه عاملی اساسی در میان سایر عوامل بوده و نقشی ممتاز در این مجموعه دارد؛ به گونه ای که پدیدآورندگان می توانند با ایده های کارآمد و عینیت یافته خود را به مسیر تجاری سازی هدایت کنند و از ثمرات اقتصادی آن در جهت پیشرفت هنر، صنعت، تجارت و فناوری بهره مند شوند. همچنین باید توجه نمود که یکی از مراحل اساسی در تجاری سازی انتقال دانش می باشد (تقی زاده، آقازاده، غفوریان، صفردوست، و اوجانی، ۱۳۹۵، ص. ۲۳)؛ در این میان ریسکهای مرتبط با درز اطلاعات نوآورانه به اشخاص ثالث و غیرمرتبط و در نتیجه تضعیف و حتی حذف منافع نوآورانه مبتکر بر اثر این امر اثری ملموس بر کاهش تمایل به تجاری سازی محصول و اتخاذ سازوکارهای پیچیده و به شدت انحصاری در این زمینه می نماید. امری که خود جریان تبادل اطلاعات نوآورانه، که مقدمه ای ضروری برای تکامل و تجاری سازی نوآوریها می باشد، را با چالش های اساسی، از منظر کاهش موارد موضوع تبادل، عدم تبادل اطلاعات واقعی و تلاش برای عرضه اطلاعات کلی و ناکارآمد، مواجه می نماید.

این چنین در حالی که مدیریت دارایی های فکری نقش ویژه در نظام ملی نوآوری (شریف زاده،

۱۳۹۰، ص. ۲۹۷) و به تبع جریان تجاری سازی نوآوریها در کشور دارد، بخشی از این مدیریت در حمایت در مراحل قبل از اتمام نوآوری و اتخاذ سازوکارهای متناسب برای حمایت حقوقی از ایده های در حال توسعه، که خود زمینه ساز نوآوری نهایی می باشد، نهفته است.

۳-۲- دیدگاه منتخب: حمایت استثنایی با معیارهای خاص

ایده به عنوان هسته اصلی و بنیادین هر اثر فکری در حوزه‌های ادبی، هنری و صنعتی، نقش ویژه‌ای در فرآیند آفرینش و نوآوری ایفا می‌کند. نقش مذکور ضرورت بازنگرایی در مبانی سنتی نظام مالکیت فکری را آشکار می‌سازد؛ زیرا در حالی که در عصر اطلاعات تبادل داده‌ها امری اجتناب‌ناپذیر و جزئی ضروری از فرآیندهای اقدام و تعامل در حوزه‌های مختلف می‌باشد، مبانی مذکور، با اتکاء بر تلقی سنتی از فرآیندها و اقدامات نوآورانه از حمایت حقوقی ایده‌ها به عنوان مفاهیم صرف ذهنی خودداری کرده‌اند (میرشمسی، جلائیان دهقانی و تیموری، ۱۴۰۳، ص. ۳). این در حالی است که زمانی که ایده صرفاً به عنوان یک تصور ذهنی باقی نمی‌ماند و به شکل عینی، ملموس و قابل درک برای دیگران تبدیل می‌شود، قابلیت احراز حقوقی و حمایت قانونی پیدا می‌کند. در بستر این فرآیند عینیت‌یافتگی، تعیین دقیق حدود و ثغور ایده و تبدیل آن به یک هیئت مادی یا قابل تشخیص محقق گردیده و ضمن احترام به تلاش و زحمات مبتکر در مراحل اولیه خلق و پرورش ایده، زمینه را برای حمایت حقوقی فراهم می‌آورد (انصاری، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۶). در این چارچوب، مفهوم ایده در حال توسعه به مثابه مقدمه و طرح اولیه نوآوری، که به تدریج تکامل یافته و به نوآوری نهایی مبدل می‌گردد، خود مرحله‌ای ضروری در فرآیند آفرینش فکری است که در شرف مرحله پایانی بوده و متضمن بخش زیادی از اطلاعات نهایی و کاربردی نوآوری می‌باشد؛ لذا ضرورت حمایت حقوقی از آن حتمی و انکارناپذیر است.

با این وجود نباید پنداشت که حمایت از ایده در حال توسعه به مثابه یک قاعده کلی مطلوب و توجیه پذیر می نماید؛ از یک سو احراز پیش شرط های حمایتی در اینجا همسطح با سایر اموال فکری مقدور و میسر نمی باشد؛ از سوی دیگر حمایت از ایده در حال توسعه با چالش های جدی مواجه است. مهم ترین چالش، ابهام در معیارهای عینیت یافتگی و حدود و ثغور مشخص است که شرط لازم برای حمایت در این مرحله است. همچنین، حمایت زودهنگام می تواند انگیزه پدیدآورندگان برای افشا و توسعه کامل ایده ها را تضعیف کرده و جریان نوآوری را کاهش دهد. مشکلات عملی، در اثبات عینیت یافتگی و دشواری های اجرایی، حقوق مالکیت فکری در مورد

این ایده‌ها، از دیگر چالش‌ها هستند. در نهایت، تفسیر موسع از اصل بنیادین عدم حمایت از ایده، زمینه‌ساز تعارض ظاهری با حمایت از ایده در حال توسعه به مثابه مال فکری است. این چنین اتخاذ رویکرد واقع‌بینانه در این زمینه، مستلزم جمع اصول بنیادین حقوق مالکیت فکری با ترجیحات اقتصادی و توسعه‌ای است، به گونه‌ای که نه به نفی اصول بیانجامد و نه به حمایت مطلق از ایده منجر شود. در این راستا نمی‌توان فراتر از حمایت استثنایی ضرورتی در زمینه ایده در حال توسعه متصور شد؛ البته حمایت استثنایی به مثابه نفی حمایت حقوقی مطلوب نبوده بلکه خود ابزاری برای عدم تسری نظام حمایتی در اینجا به نهادهای مشابه و اعمال کلی قواعد حمایتی به گونه‌ای است که شروط حمایتی و اعطاء حقوق مالکانه به مبتکرین و صاحبان آثار فکری در مصادیق مختلف اموال فکری نفی گردد. این چنین در حالی که نفس حمایت از ایده در حال توسعه را ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد، حمایت مطلوب و کارآمد منوط به ملاحظات ذیل است:

اولاً، باید شرایط حمایتی از ایده در حال توسعه را با به کارگیری ضوابط دقیق و همسو با تولید و تجاری سازی محصول نوآورانه تعیین نمود؛ به گونه‌ای که عملاً حمایت محدود به طرح‌های اولیه نوآوری که از منظر فنی و کارشناسی قابلیت پیاده‌سازی و اجراء داشته باشند محدود گردد.

ثانیاً، حمایت از ایده در حال توسعه نباید منجر به انحصار یا کاهش انگیزه برای بیان کامل ایده‌ها شود. برای ایجاد این تعادل، الزام به افشای جزئیات کافی برای بهره‌مندی از حمایت قانونی و تعیین مدت زمان محدود و قابل تمدید بر اساس پیشرفت‌های قابل اندازه‌گیری، ضروری است

ثالثاً، حمایت از ایده‌ها در این مرحله باید به عنوان استثنایی بر اصل حمایت از بیان در نظر گرفته شود و شرایط خاصی نظیر اثبات نوآوری، تلاش‌های ملموس برای توسعه ایده، و ارائه برنامه تجاری‌سازی برای آن تعیین گردد.

۳- مدل‌های حمایت از آینده در حال توسعه در ایران

اگر بخواهیم تحلیلی دقیق از سازوکارهای حمایت از ایده در حال توسعه داشته باشیم، باید آن را در مدل های حمایتی دنبال نماییم. با پرداختن به این مدلها به خوبی می توان مبانی توجیهی و سیاستگذاری در این عرصه را واکاوی و ارزیابی نمود. زیرا این مدلها به خوبی ابعاد و آثار حمایت حقوقی از ایده را آشکار می نماید. بر مبنای مطالعات نگارنده از میان مدلهای حمایتی مختلف، بر مبنای ظرفیت تقنینی و رویه ای در حقوق ایران، مدل اسرار تجاری و مدل رقابت

غیرمنصفانه مواردی است که قابلیت حمایت از ایده در حال توسعه در آنها متصور می‌باشد. در ذیل به ارزیابی حمایت از ایده در حال توسعه در هر یک از این مدلها می‌پردازیم:

۱-۱-۳- اسرار تجاری

در دنیای رقابتی امروز، اطلاعات به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی بقا و پیشرفت کسب‌وکارها اهمیت ویژه‌ای دارد. «اسرار تجاری» به‌عنوان مجموعه‌ای ارزشمند از دانش محرمانه، نقش مهمی در تضمین مزیت رقابتی شرکت‌ها ایفا می‌کند. این مفهوم به‌طور کلی به هرگونه اطلاعات ارزشمند و محرمانه اشاره دارد و به‌طور خاص شامل اطلاعاتی است که دارای شرایط قانونی مشخصی برای حمایت هستند (انصاری، ۱۴۰۱، صص. ۴۴-۴۵). ماده ۵۵ قانون حقوق مالکیت فکری مصر و قانون متحدالشکل اسرار تجاری ایالات متحده آمریکا، با الزاماتی نظیر داشتن ارزش اقتصادی، عدم دسترسی عمومی و حفظ محرمانگی، اسرار تجاری را به رسمیت شناخته‌اند (قبولی درافشان و بختیاروند، ۱۴۰۰، ص. ۹۶). این رویکرد همچنین در موافقت‌نامه تریپس و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا نیز مورد توجه قرار گرفته است. با وجود ماهیت محرمانه ذاتی اسرار تجاری، که ارزیابی کمی دقیق ارزش آنها را با پیچیدگی مواجه می‌سازد، آنچه قطعی و انکارناپذیر است ارزشمندی این اسرار به مثابه مال، همسطح با سایر اموال فکری می‌باشد؛ چنانکه مطابق مطالعات اقتصادسنجی در آمریکا سهم دارایی‌های نامشهود (شامل اسرار تجاری، حق اختراع و سایر اشکال مالکیت فکری) در ساختار ارزشی بنگاه‌های اقتصادی روندی تصاعدی داشته است؛ در اینجا بر پایه تحلیل‌های آماری صورت گرفته در ۵۰۰ شرکت برتر فهرست شده در شاخص S&P ۵۰۰، سهم این دارایی‌ها از ۱۷ درصد کل ارزش شرکت‌ها در سال ۱۹۷۵ به ترتیب به ۳۲ درصد (۱۹۸۵)، ۶۸ درصد (۱۹۹۵)، ۸۰ درصد (۲۰۰۵) و نهایتاً ۸۱ درصد در سال ۲۰۰۹ رسیده است (Almeling, 2012, p. 1093). این چنین نقش این مدل حمایتی در حفظ و ارتقاء ارزش اموال فکری مورد حمایت در آن مشهود می‌باشد.

در نظام حقوقی ایران تا قبل از تحولات تقنینی اخیر به‌صورت پراکنده به اسرار تجاری اشاره شده است. به‌عنوان نمونه، ماده ۶ قانون همکاری هسته‌ای با روسیه (۱۳۷۲) و ماده ۱ قانون سرمایه‌گذاری با آلمان (۱۳۸۲) به برخی جنبه‌های مرتبط با اسرار تجاری پرداخته‌اند. همچنین، قانون‌گذار در ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیک (۱۳۸۲) تعریفی از اسرار تجاری الکترونیکی ارائه کرده است که شامل اطلاعات، فرمول‌ها، الگوها، نرم‌افزارها و سایر داده‌های ارزشمند است

حمایت از ایده در حال توسعه در مدل حمایتی اسرار تجاری با چالش‌ها و تعارضات ذاتی و اساسی مواجه است. در اینجا با توجه به ویژگی ذاتی محرمانگی اموال مورد حمایت تبادل هرگونه اطلاعات نوآورانه سالبه به انتفاء موضوع می‌باشد. این در حالی است که اساساً مبنای حمایت از ایده در حال توسعه ضرورت همین تبادل و حفظ جریان نوآوری به منظور تکامل نوآوری‌ها می‌باشد. در واقع در اینجا نهاد حقوقی ایده در حال توسعه حد فاصل شرط بیان در حمایت از

آثار و آفرینش‌های فکری و به تبع آن اصل عدم حمایت از ایده از یک سو و اصل حمایت‌پذیری آفرینش‌های فکری از سوی دیگر در صدد حمایت ضروری از ایده‌هایی است که در شرف تکامل و تبدیل به نوآوری بوده و این تکامل در گرو اموری چند از جمله تبادل اطلاعات نوآورانه می‌باشد. به علاوه اساساً حمایت از ایده در حال توسعه به مثابه طرح نوآورانه یا نوآوری بالقوه، که مشمول حمایت استثنایی می‌باشد، منوط به ارزیابی پیش شرط‌های حمایتی در این زمینه بوده، که جز با دستیابی به اطلاعات نوآورانه آن مقدور نمی‌باشد. در نهایت اینکه جمع منافع مبتکر و جامعه در حمایت حقوقی از ایده در حال توسعه با دستیابی به اطلاعات نوآورانه آن و افشاء آن در نزد مراجع ارزیابی و همچنین افشاء اولیه و کلی نوآوری به منظور دستیابی جامعه مبتکرین به آن می‌باشد و این امر با محرمانگی موردنظر در مدل حمایتی اسرار تجاری منافات دارد.

۲-۱-۳- رقابت غیر منصفانه و حفاظت از ایده در حال توسعه

در دنیای تجارت معاصر، حفظ فضای رقابتی سالم و عادلانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در همین راستا، قوانین مربوط به رقابت غیر منصفانه با هدف مقابله با اقدامات مکارانه و حمایت از حقوق فعالان اقتصادی تدوین شده است. این قواعد با ممنوعیت اقداماتی نظیر رقابت نامشروع و افشای اسرار تجاری، به تنظیم بازار و جلوگیری از سوءاستفاده‌های بازیگران خاص می‌پردازند.

به عنوان نمونه، در قانون اصلاح ماده ۲۴۴ و ماده ۲۴۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۰ شمسی، رقابت غیر منصفانه (مکارانه) چنین تعریف شده است: «رقابت غیر منصفانه عبارت است از اینکه تاجری برای انصراف مردم از خرید یا استفاده از متاعی مشابه، با استفاده از نسبت‌های کذب یا هر وسیله متقلبانه دیگر، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در صدد معیوب یا نامرغوب جلوه دادن آن متاع برآید». همچنین، بر اساس بند ۲ ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس، رقابت نامشروع، هرگونه رقابتی است که خلاف اصول اخلاقی و شرافتمندانه صنعت و تجارت باشد. با این حال، این توصیف خود، به زعم برخی صاحب‌نظران، در دام ابهامات ماهوی گرفتار آمده است (Norman, 2014, p. 9)؛ چنانکه این عدم وضوح در تعریف صریح قانونی در حقوق فرانسه نیز مشهود است، جایی که رقابت غیر منصفانه به‌طور کلی هرگونه رفتار یا ترتیبی معرفی شده که انصاف، آن را مقبول نمی‌داند و در تنافی با قانون و عرف بوده و ماهیتاً، به‌منظور ایراد لطمه

به رقبا صورت گیرد (Lopez, 2016, p. 1). این چنین، در یک تعریف جامع می‌توان رقابت غیرمنصفانه را آن دسته از فعالیت‌هایی دانست که مصلحت عمومی چشم بر آن‌ها نمی‌بندد و با استفاده از وسایلی صورت می‌گیرد که قانون، عرف و اخلاق تجاری آن‌ها را مطرود شمرده و هدف از توسل به این وسایل، لطمه به رقبای تجاری است (رهبری و حسنی سنگانی، ۱۳۹۸، ص. ۳۴).

اثبات رقابت غیرمنصفانه، مستلزم احراز عنصر تقصیر است؛ عنصری که در مورد ایده در حال توسعه، به معنای اثبات سوءنیت یا غفلت و بی‌مبالاتی در استفاده از ایده دیگری است. اثبات سوءنیت مستلزم احراز علم استفاده‌کننده به مالکیت دیگری و ارائه ایده به نام خود است، در حالی که غفلت با احراز عدم بررسی کافی و بی‌توجهی در ارائه ایده در حال توسعه دیگری محقق می‌شود. همچنین، شرایط و اوضاع خاصی نظیر سابقه فعالیت طرفین و میزان شباهت بین دو اثر، در تشخیص تقصیر مؤثر هستند (François, 2000, p. 96). در همین راستا، استفاده غیرمنصفانه از ایده‌های در حال توسعه دیگران، در مواردی که منجر به اشتباه در تشخیص منشأ اثر شود، پیامدهای قانونی به همراه دارد. به این ترتیب، اگر اثر مبتنی بر ایده سرقت‌شده به گونه‌ای ارائه شود که مشتری آن را با اثر اصلی اشتباه بگیرد، رقابت غیرمنصفانه محقق شده و استفاده‌کننده ممکن است تحت پیگرد قانونی قرار گیرد (Pollaud-Dulian, 2005, pp. 88-89). این نوع حمایت، عمدتاً در قلمرو تبلیغات تجاری کاربرد عملی می‌یابد (Colombet. 1976, p. 23).

اگرچه قواعد رقابت غیرمنصفانه در ظاهر می‌توانند ابزاری برای حمایت از ایده‌های نوآورانه در برابر سوءاستفاده‌های آشکار باشند و هدف غایی آن‌ها تضمین فضای رقابتی مبتنی بر شایستگی و نوآوری است (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۵، صص. ۱۲۸-۱۲۹)، اما اثربخشی عملیاتی آن‌ها در حمایت از ایده در حال توسعه، به طور خاص در نظام حقوقی ایران، با چالش‌های جدی مواجه است. دشواری اثبات عنصر تقصیر (اعم از عمد یا بی‌توجهی) و احراز رابطه سببیت میان اقدام غیرمنصفانه و خسارت وارده به صاحب ایده، اتکا به این قواعد را به عنوان ابزار اصلی حمایت از ایده‌های در شرف تکامل، غیرواقع‌بینانه می‌سازد. لذا، این ابزار حقوقی، علی‌رغم اهمیت نظری، در عمل دارای محدودیت‌های اجرایی قابل توجهی است. همچنین رقابت غیرمنصفانه روشی مکمل بوده و آنجا مصداق می‌یابد که سایر مدل‌ها و قالب‌های حمایتی از مال فکری حمایت نمی‌نمایند (سیمایی صراف و حمداللهی، ۱۳۹۴، ص. ۵۷) یا حمایتی کارآ و مؤثر

ندارند؛ لذا مادامی که بتوان در سایر مدل‌های حمایتی از ایده در حال توسعه حمایت نمود، مهملی برای به‌کارگیری این قالب و مدل حمایتی باقی نمی‌ماند.

۳-۱-۳- حمایت موقت و خاص در قالب‌های کنونی حقوق مالکیت فکری: رویکرد واقع بینانه و منتخب

روش دیگر در حمایت از ایده در حال توسعه آن است که این ایده در قالب‌های حمایتی کنونی، اما نه هم‌سطح با مال فکری، بلکه در سطحی کمتر، به مثابه شکلی خاص از همان مال مورد حمایت واقع گردد. مبانی توجیهی این روش یا با تلقی تحقق مالیت فکری در مرحله‌ای قبل از اتمام نوآوری بوده یا در تلقی ایده در حال توسعه در تحقق نوآوری نهایی. در این میان به نظر می‌رسد نمی‌توان مبنای نخست را اعمال نمود و به مقابله با ساختار کنونی نظام حقوق مالکیت فکری برخاست؛ زیرا مبانی متقنی موجود نیست تا بخواهیم احراز مالیت فکری، در معنای مرسوم، را در مرحله‌ای قبل از آنچه اکنون وجود دارد اعمال نماییم، بلکه باید در ساختار موجود از ظرفیت حمایتی نظام حقوقی مذکور برای ایجاد سطحی نازل‌تر از حمایت در مرحله قبل از اتمام نوآوری بهره برد.

البته نباید این را قاعده فراگیر و در تمامی مصادیق اموال فکری دانست؛ صرف نظر از اسرار تجاری، که به شرحی که ذکر گردید، اساساً مسأله تحقق ایده نوآورانه در آن سالبه به انتفاء موضوع است و رقابت غیرمنصفانه که روشی مکمل بوده و در سازوکار حاضر مصداق نمی‌یابد، در سایر مصادیق اموال فکری می‌توان مفهوم ایده در حال توسعه را مفهومی قابل تحقق دانست. این چنین آنجا که یک اثر ادبی تدوین یافته اما نویسنده هنوز آن را کامل ندانسته و برخی اصلاحات را ضروری می‌داند، آنجا که مخترع طرح فنی را ترسیم نموده و آزمایش‌های نهایی اختراع را طی می‌نماید، در مواردی که علامت یا نام تجاری انتخاب اما در فرآیند ارزیابی فنی و اقتصادی برترین شکل بیان یا ترسیم علامت می‌باشد، و در نهایت آنجا که طرح اولیه طرح صنعتی ترسیم شده و در دست ارزیابی فنی برای شکل نهایی پیاده‌سازی می‌باشد، در همه اینها شکلی از نوآوری محقق گردیده که نمی‌توان آن را دارای فاصله قابل توجه با نوآوری نهایی دانست؛ تا حدی که در مواردی با یکدیگر خلط می‌گردند. حال باید شکلی نازل‌تر از همان حمایت حقوقی متصور در قالب‌های حقوقی را برای این شکل خاص از اموال فکری در نظر گرفت. سطح نازل‌تر حمایت و رویکرد واقع بینانه در این زمینه با لحاظ دو مؤلفه تحقق می‌یابد؛ نخست موقت بودن حمایت و دیگر خاص بودن.

خاص بودن نیز قیدی برای محدود نمودن مصادیق حقوق مورد حمایت در ارتباط با ایده در حال توسعه است؛ باید توجه نمود هنوز نوآوری تجاری‌سازی نشده تا تعلق شکل کامل حقوق مادی به صاحب ایده مصداق یابد؛ اما حقوق معنوی در همین وضعیت به ایشان تعلق می‌گیرد. البته نباید صاحب ایده را از تمامی حقوق مادی محروم دانست؛ بلکه باید حقوق مادی ایشان را از یک سو ناظر بر حقوق سلبی و حق منع دیگران از بهره‌برداری از شکل ناقص نوآوری یا همان ایده در حال توسعه و ایجاد حق تقدم برای وی در زمینه شکل کامل نوآوری و از سوی دیگر محدود به قابلیت بهره‌برداری از شکل موجود نوآوری غیرنهایی، آن هم در موارد خاصی که، با لحاظ ضوابط قانونی و فنی، منافی متصور باشد دانست؛ همچون آنکه شکل ناقص یک رمان مبنایی برای نگارش یک فیلم‌نامه واقع گردد. حقوق معنوی نیز صرفاً ناظر بر همین شکل ناقص و تکامل نیافته نوآوری خواهد بود. تمایز در میان حقوق معنوی و حقوق مادی در اینجا بیش از هر چیز ریشه در پیوند حقوق معنوی با شخصیت و ماهیت آمره، به مثابه ویژگی‌های ایجابی این

حقوق (زرکلام، ۱۳۸۷، ۱۳۶) آن دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که:

۱- تحلیل مفهوم و ماهیت ایده در حال توسعه نشان می‌دهد که در حالی که واژه کلی «ایده» از ابهام معنایی و حقوقی گسترده‌ای رنج می‌برد، مفهوم ایده در حال توسعه به عنوان یک سازه هدفمند و کاربردی برای پر کردن خلأ میان یک اندیشه صرف و یک دارایی فکری کاملاً حمایت‌شده معرفی می‌گردد. در واقع، ماهیت متمایز این مفهوم بر اساس سه عنصر اساسی تعریف شده است: اولاً، نوآورانه و بالقوه ارزشمند بودن؛ ثانیاً، در حال شکل‌گیری بودن و عدم شمول حمایت‌های حقوقی موجود (که جایگاه آن را در مراحل اولیه تکامل مشخص می‌کند)؛ و ثالثاً، دارا بودن پتانسیل کاربردی و تجاری (که نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری قابل توجه زمان، دانش و تلاش توسط ایده‌پرداز است).

۲- در این راستا، ارزیابی رویکرد سنتی و شایع در نظام حقوق مالکیت فکری، که بر مبنای شرط «بیان» و اصل عدم حمایت از ایده استوار است، بیانگر آن است که در قبال مفهوم متمایز ایده در حال توسعه دچار تعارض مفهومی و ناکارآمدی است. تحلیل انتقادی مبانی سنتی عدم حمایت، نظیر تعارض با منفعت عمومی (آزادی دسترسی به دانش) و مبانی فقهی (حرمت کتمان علم)، و همچنین محدودیت‌های نظریه کار جان لاک در تطبیق دقیق با ماهیت این ایده، حاکی از آن است که این مبانی صرفاً ناظر بر ایده‌های خام و انتزاعی هستند و قابلیت استناد در مورد ایده در حال توسعه را ندارند. در مقابل، این پژوهش استدلال می‌کند که ایده در حال توسعه، به مثابه یک مال فکری، با پنج ویژگی اساسی اموال فکری در حقوق ایران (مالیت بالقوه، غیرمادی بودن، ناشی از تلاش ذهنی، مبتکرانه بودن، و قابلیت ادراک عینی) انطباق ماهوی دارد. لذا، حمایت حقوقی از این نهاد نه تنها از منظر توجیهات نظری امکان‌پذیر است، بلکه از حیث کارکردی نیز برای تقویت انگیزه نوآورانه در فرآیندهای طولانی‌مدت (نظیر زیست‌فناوری) و تحقق مؤلفه‌های ضروری تجاری‌سازی (از طریق کاهش ریسک افشا و تسهیل مدیریت دارایی‌های فکری) حیاتی است و به عنوان یک سازوکار حمایتی متناسب، می‌تواند از سرقت علمی جلوگیری کرده و جریان تکامل نوآوری را تضمین نماید.

۳- همچنین، در نظام حقوقی ایران دو مدل حمایتی اسرار تجاری و رقابت غیرمنصفانه دارای

۱- حمایت باید به طرح‌های اولیه‌ای محدود گردد که از منظر فنی و کارشناسی، قابلیت پیاده‌سازی و اجرا داشته باشند تا صرفاً ایده‌های انتزاعی را در بر نگیرد. منظور از قابلیت پیاده‌سازی وجود نسخه اولیه و غیرنهایی نوآوری به گونه‌ای است که نشانگر انجام بخش غالب فرآورده نوآوری و امکان حتمی تکامل آن از منظر فنی باشد. در این راستا احراز شرایط حمایتی باید فراتر از معیارهای معمول بوده و مستلزم اثبات نوآوری متمایز، تلاش‌های ملموس برای توسعه ایده و ارائه یک برنامه تجاری‌سازی مدون باشد تا حمایت صرفاً شامل دارایی‌های فکری با پتانسیل اقتصادی و کاربردی گردد. این مدل، در عین حفظ اصول بنیادین مالکیت فکری، نیازهای توسعه‌ای جامعه نوآور را پاسخ می‌دهد.

۲- برای ایجاد تعادل میان انحصار و جریان دانش، الزام به افشای جزئیات کافی برای بهره‌مندی از حمایت قانونی و تعیین مدت زمان محدود و قابل تمدید بر اساس پیشرفت‌های قابل اندازه‌گیری، ضروری است. در ارتباط با حقوق مالکیت معنوی نیازمند ثبت، این امر بیش از هر چیز در گرو ایجاد یک سازوکار ثبت اعلانی موقت می‌باشد. همچنین می‌بایست در مراکز پژوهش‌های نوآورانه همچون دانشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری دفاتر مالکیت فکری دارای نقشی واسطه‌ای بین مبتکرین و مراجع ثبتی عمل نموده و ارزیابی و تأییدیه‌های مؤثر در این زمینه ارائه دهند تا موجب تسریع و تسهیل در ثبت شود.

شایان توجه اینکه نباید ارزیابی در زمینه ایده در حال توسعه را به دادگاه‌های عمومی محول نمود؛ زیرا بر مبنای طول دوره حمایت این امر حشو و عبث می‌نماید و در نهایت روند ارزیابی خود بیش از دوره حمایتی موردنظر به طول می‌انجامد. این چنین باید حتی المقدور از ارزیابی و تأییدیه مراجع فنی و نوآورانه بهره برد و در سایر موارد ارزیابی را موکول به بررسی مراجع ثبتی مالکیت معنوی دانست. در اینجا نقش دادگاه مشابه روند ثبت مصادیق مالکیت صنعتی در رسیدگی به اعتراضات مراجع مذکور و متقاضی ثبت می‌باشد.

۳- حمایت باید در سطحی نازلتر از اموال فکری موجود و به شکل موقت و خاص در قالب‌های موجود مالکیت فکری باشد. در این زمینه در عوض ایجاد یک نهاد حقوقی کاملاً جدید، پیشنهاد می‌شود با اتخاذ یک تلقی واقع‌بینانه، از ظرفیت‌های حمایتی موجود در قالب‌های رایج مالکیت فکری (اختراع، آثار ادبی و هنری، طرح‌های صنعتی) برای اعطای سطح نازل‌تر حمایت به ایده در حال توسعه بهره گرفته شود. این حمایت باید دارای دو مؤلفه کلیدی باشد: موقت بودن و خاص بودن. موقت بودن در اینجا به معنای تعیین یک دوره زمانی بسیار کوتاه و انتقالی است که متناسب با طول دوره نوآوری در هر حوزه (با لحاظ سطح پیچیدگی نوآوری و به تبع طول دوره نوآوری و ارزیابی آن، در حوزه آثار نرم‌افزاری کوتاهترین دوره حمایت، در حوزه آثار ادبی و هنری، علائم و نام‌های تجاری دوره حمایتی با مدت طولانی‌تر و میانه و در نهایت در حوزه اختراعات، که پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین طول دوره نوآوری را دارند با دوره حمایت بیشتر) باشد و هدف آن صرفاً حفظ حقوق نوآورانه تا زمان تکامل نهایی است. خاص بودن نیز به معنای محدودسازی قلمرو حقوق اعطایی است؛ به نحوی که حقوق معنوی به طور کامل تعلق گیرد، اما حقوق مادی به حقوق سلبی (منع بهره‌برداری غیرمجاز توسط اشخاص ثالث) و حق

تقدم برای ثبت نهایی نوآوری و در موارد استثنایی که امکان بهره برداری موقت از ایده در حال توسعه از منظر فنی و قانونی مقدور باشد منافع مادی ناشی از آن محدود شود. این رویکرد، ضمن پرهیز از مقابله با ساختار کنونی نظام حقوق مالکیت فکری، سازوکار حمایتی ضروری و متناسب را برای دارایی‌های فکری در شرف تکامل فراهم می‌آورد.

فهرست منابع

- ۱) آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر عربی-فارسی (چاپ شانزدهم). نشر نی.
- ۲) اشراقی‌آرانی، مجتبی. (۱۴۰۰). حقوق تجارت نوین قراردادهای تجاری. انتشارات دانشگاه تهران
- ۳) ایروانی مهاجری، فاطمه السادات. (۱۴۰۰). حقوق مالکیت فکری و تجاری سازی. انتشارات مجد
- ۴) امیدی فرد، عبدالله، و پيله ور، مرضیه. (۱۳۹۶). بررسی فقهی قاعده ارشاد جاهل. مجله پژوهشهای فقهی، ۱۳(۳)، ۴۸۵-۵۲۱.
- ۵) انصاری، باقر. (۱۳۸۶). شرایط اثر قابل حمایت در نظام مالکیت های ادبی و هنری (کپی رایت). مجله تحقیقات حقوقی، ۴۵، ۹۷-۱۵۲.
- ۶) انصاری، باقر (۱۴۰۱). حمایت از اسرار تجاری در برابر افشای غیرمجاز. پژوهش حقوق خصوصی، ۴۱، ۴۲-۸۲.
<https://doi.org/10.22054/jplr.2023.62445.2593>
- ۷) باریکلو، علیرضا. (۱۳۹۹). اموال و حقوق مالی. انتشارات سمت
- ۸) حبیبی، سعید و معلی، مهدی. (۱۳۹۴). حمایت حقوقی از نوآوری‌های زیست‌فناوری (چاپ اول). سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- ۹) حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۷). مبانی مالکیت فکری. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۰) راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ه.ق). مفردات ألفاظ القرآن. دار الشامیه.
- ۱۱) رهبری، ابراهیم (۱۳۸۸). حقوق اسرار تجاری. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۲) رهبری، ابراهیم و حسنی سنگانی، وحید. (۱۳۹۸). حقوق رقابت در عرصه مالکیت‌های فکری (جلد اول). انتشارات سمت.
- ۱۳) زاهدی، مهدی، و نظام الملکی، جعفر. (۱۳۹۰). قابلیت حمایت از ابداعات مهندسی ژنتیک در نظام حقوق مالکیت فکری. فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۸، ۱۵۵-۱۹۰.
- ۱۴) زرکلام، ستار. (۱۳۸۷). حقوق مالکیت ادبی و هنری. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۵) قبولی درافشان، سیدمحمد هادی و بختیاروند، مصطفی. (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت فکری

- همراه با ترجمه قانون حمایت مالکیت فکری مصر. تهران: انتشارات میزان.
- ۱۶) ساندرز، کورت م. (۱۴۰۱). مالکیت فکری و حقوق ایده‌ها (ح. قنبری، مترجم). پژوهشکده حقوق شهر دانش.
- ۱۷) سیمایی صراف، حسین و حمداللهی، عاصف. (۱۳۹۴). مفهوم رقابت نامشروع تجاری و مقایسه آن با نهادهای مرتبط. پژوهش حقوق خصوصی، ۳(۱۱)، ۳۷-۶۹.
- ۱۸) شبیری زنجانی، سید حسن. (۱۳۸۷). مبانی نظری و فقهی حقوق مالکیت فکری [رساله دکتری]. دانشگاه تهران.
- ۱۹) شریف‌زاده، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). ضرورتها و سازوکارهای مدیریت مالکیت فکری در فرایند تجاری سازی تحقیقات دانشگاهی. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۲۸۵، ۲۸۶-۳۰۳.
- ۲۰) شیخی، مریم. (۱۳۹۴). اصول حقوق مالکیت فکری. نشر میزان.
- ۲۱) عمید، حسن. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی عمید. انتشارات امیرکبیر.
- ۲۲) کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۴). دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اموال و مالکیت (چاپ نهم). انتشارات میزان.
- ۲۳) محسنی، سعید، و قبولی درافشان، سید محمد مهدی. (۱۳۹۵). بررسی حمایت حقوقی از ایده (مطالعه تطبیقی در نظامهای حقوقی ایران و فرانسه). مطالعات حقوق خصوصی، ۴۶(۱)، ۱۱۷-۱۳۷. <https://doi.org/10.22059/jlq.2016.57527>
- ۲۴) میر حسینی، سید حسن. (۱۳۹۱). فرهنگ حقوق مالکیت معنوی (جلد ۲، چاپ دوم). انتشارات میزان.
- ۲۵) میرحسینی، سید حسین. (۱۳۹۱). فرهنگ حقوق مالکیت معنوی (جلد ۱، چاپ دوم). بنیاد حقوقی میزان.
- ۲۶) میرشکاری، عباس. (۱۳۹۹). مبانی حمایت حقوقی از شهرت. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۱(۱)، ۳۶۱-۳۳۹. doi: 10.22059/jcl.2020.290488.633904
- ۲۷) میرشمسی، محمد هادی، جلاتیان دهقانی، حسام و تیموری، علیرضا. (۱۳۹۳). ایده و حمایت از آن در حقوق مالکیت فکری. حقوق اسلامی، ۱۱(۴۰)، ۷۱-۱۰۴.
- ۲۸) میرشمسی، محمد هادی، جلاتیان دهقانی، حسام و تیموری، علیرضا. (۱۴۰۳). حمایت از ایده در حقوق مالکیت فکری؛ چالشها و ضرورتها. حقوق فناوری های نوین، ۵(۱۰)، ۱-۱۸. <https://doi.org/10.22133/mtlj.2024.414588.1242>
- ۲۹) نظام الملکی، جعفر، و شبیری زنجانی، سید حسن. (۱۴۰۰). بررسی مقایسه ای وضعیت رویکرد حقوقی متن باز و نظام حقوق مالکیت فکری در تحقق قواعد فقهی نشر علم. حقوق اسلامی،

۳۰) نظام‌الملکی، جعفر. (۱۳۹۷). حمایت حقوقی از نوآوریهای زیست فناوری بر اساس نظریه متن باز با تأکید بر حقوق ایران [رساله دکتری]. دانشگاه قم.

۳۱) نقی زاده، محمد، آقازاده، سهراب، غفوریان، کامیار، صفردوست، عطیه، و اوجانی، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی چالش‌های قانونی و حقوقی مالکیت فکری در تجاری سازی محصولات زیست فناوری. رشد فناوری، ۱۲ (۴۷)، ۲۱-۲۸.

۳۲) ورام، مسعود بن عیسی. تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام (جلد دوم). بیروت: المكتبة الحیدریه

۳۳) یداللهی فارسی، جهانگیر، و کلاتهای، زهرا. (۱۳۹۱). ساز و کارهای بهره برداری از فناوری در حوزه زیست فناوری. فصلنامه تخصصی پارکها و مراکز رشد، ۸ (۳۱)، ۶۲-۷۰.

- 34) Almeling, D. S. (2012). Seven reasons why trade secrets are increasingly important. *Berkeley Technology Law Journal*, 27(2), 1091-1117.
- 35) Benditt, T. M. (1973). The Public Interest. *Philosophy & Public Affairs*, 2(3), 291-311.
- 36) Bentham, J. (1960). A fragment on government and an introduction to the principles of morals and legislation (W. Harrison, Ed.). Oxford University Press.
- 37) Boden, M. A. (2004). *The creative mind: Myths and mechanisms* (2nd ed.). Routledge.
- 38) Breakey, H. (2010). Natural Intellectual Property Rights and the Public Domain. *The Modern Law Review*, 73(2), 208-239.
- 39) Colombet, C. (1976). *Propriété littéraire et artistique*. Dalloz.
- 40) Desbois, H. (1966). *Le droit d'auteur* (2e éd.). Dalloz.
- 41) François, X. (2000), *Droit commercial*, Paris, Montchrestien
- 42) Goorha, P., & Potts, J. (2019). *Creativity and innovation: A new theory of ideas*. Palgrave Macmillan.
- 43) Ghabooli Dorafshan, S. M. H., & Fateminia (Bakhtiarvand), M. (2025). Trade Secrets Definition in the New Iranian Act on Industrial Property with a Comparison to American Law and the TRIPS Agreement. *Iranian Journal of International and Comparative Law*, 3(2), -. doi: 10.22091/ijicl.2025.13031.1160
- 44) Gordon, wendy j (1993), A Property Right In Self-Expression: Equality And Individualism In The Natural Law Of Intellectual Property, *yale law journal*, vol.102, p. 1533- 1547.
- 45) Lemley, M. A. (2008). The surprising virtues of treating trade secrets as IP rights. *Stanford Law Review*, 61(2), 311-353.
- 46) Lopez Galdos, M. (2016). Antitrust policy tools & IP Rights: US., Transatlantic & International Effects. *Chicago-Kent Journal of Intellectual*

Property 15. 1-35.

- 47) Norman, H. (2014). Intellectual Property Law Directions. Oxford University Press.
- 48) Pollaud-Dulian, F. (2005). Le droit d'auteur. Economica.
- 49) Rousseau, J.-J. (1967). The social contract and discourse on the origin of inequality (L. G. Crocker, Ed.). New American Library.
- 50) Standler, R. B. (2009). Ideas not copyrightable. Retrieved November 25, 2025, from www.rbs2.com/cidea.pdf
- 51) Wagret, F., & Wagret, J. M. (2001). Brevets d'invention, marques et propriete industrielle. Presses Universitaires de France (P.U.F).
- 52) World Intellectual Property Organization (WIPO). (2004). WIPO intellectual property handbook. WIPO Publication